



# جنبش کارگری

ارگان سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری

۱۸ فروردین ۱۳۵۹

شماره ۱۳

درباره

## سیاست انتخاباتی

### سازمان چریکهای فدائی خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی، به انتشار لیست‌های مبارزیت و روزی‌نامه که در آن‌ها می‌تواند به انتخاباتی دیگر سازمان‌های مارکسیست-لنینیست به چشم نمی‌خورد. تا اینجای ما چرا امر غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی وجود نداشت. بعد هم که تنها برخی از کاندیداها - های سازمان مهادین خلق و همچنین یکی از تجار سرشناس بازار را مورد حمایت قرار داد، باز هم - با استثناء عده‌ای از هواداران صادق و مبارز خود - حیرت و تعجب کسی را برنیا نگیخت.

همه جریان‌هایی که سیاست‌های رنگارنگ و اصولاً عملکرد یکساله این رهبری آشنائی داشتند، می‌توانستند از قبیل اتحاد جنبش‌های سیاسی را از جانب آن، پیش‌بینی کنند. زیرا همه آنها که می‌خواستند بیدارند، می‌دانستند که بزم ما بی‌مان: جنبش کمونیستی یعنی هواداران سازمان خودشان، و وحدت جنبش کمونیستی یعنی وحدت جناح‌های مختلف سازمان خودشان، تشکیل حزب کمونیست، یعنی تعویض نام سازمان خودشان و تشکیل جبهه خلق یعنی وحدت سازمان خودشان با مهادین - خلق و بخش "غیر لیبرال هیات حاکمه". (که این آخری گاهی هم با توب و خمیازه انداز بجان خلق‌ها می‌افتد و چون کاری از پیش نمی‌برد، در شیور بحث آزاد می‌دمد. پس ما هیئت دوگانه "داردونیست به هر یک از آن‌ها سیاستی واحد - مارکس و انگلس ولتین و استالین و ما توهم گفته اند که خرده بورژوازی را ما هیئت دوگانه است - شمر - از دست و زبان که برآید. گزیده شکرش بدرآید.)

اما آنچه که در اینجا مورد بحث است، تنها این نیست که رهبران فدائی‌ها از نامزدهای انتخاباتی سازمان‌های مارکسیست-لنینیست حمایت نکرده‌اند، بلکه مسئله اصلی برسرنخه توجیه و اصولاً احتجاجاتی است که بعد از این رابطه ارائه داده‌اند.

متدی که آنها در این زمینه بکار می‌گیرند، متد معروف از هر چمن کلی است بدین معنی که رفقا به زمین و زمان جنگ می‌اندازند، تا بلکه فرجی حاصل شده و دلیلی برای این عمل خود بیابند.

منظور، مفاد مقاله‌ای است که رفقا در کاره ۵، تحت عنوان "مادر انتخابات با یاد زکام‌کا ندیدها حمایت کنیم" انتشار داده‌اند.

در این مقاله مسئله حمایت از کاندیداها - های سازمان‌های دیگر در دو سطح بررسی میشود، "سطح کمونیستی" و "سطح دموکراتیک" (که ما در این مقاله تنها به بخش اول آن می‌پردازیم).

جریده‌ها صرف نظر از سرهم کردن جمله برداری‌های کلی از قبیل اینکه "اما از نقطه نظر مصالح و منافع جنبش کمونیستی ایران باید دید که حمایت با عدم حمایت از کدام کاندیدا، بیش از همه به رشد و گسترش جنبش کمونیستی ایران منجر خواهد شد" و غیره، لب و لپاب حرف خود را در حقیقت با یک جرخ قلم‌بیان می‌دارند تا اینکه "نگاهی به جنبش کمونیستی ایران نشان می‌دهد که بر وسنه تشکیل حزب در ایران به هیچ وجه و به هیچ صورت نیست که محافل مارکسیست برکننده به تدریج در یک ارگان سراسری مشکل شوند و هر محفل در این میان همان وضعیتی را داشته باشد که دیگری دارد (؟؟؟!!) اکنون این وضع به طور عمده بدوش سازمان ما قرار دارد."

## یکسال انقلاب و

### چشم‌انداز آن

تقلب‌ها ده میلیون ونیم. تعداد شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای ملی، نزدیک به چهار میلیون کمتر از تعداد شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری نزدیک به بیازده میلیون کمتر از تعداد شرکت کنندگان در همه پرسی جمهوری اسلامی بوده است. می‌بینیم که در ظرف این یکسال و اندی بیش از بیازده میلیون نفر یعنی ۱۵۱ در صد از طرفداران رژیم کمونی، به آن عمل را می‌عدم اعتماد داده‌اند. لازم است به این موضوع بقیه در صفحه ۳

بیش از یکسال از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ می‌گذرد. تا توانی قشرا کم در جل معضلات و مشکلات اقتصادی - اجتماعی هر روز مشهودتر می‌شود. انعکاس شک و تردید روز افزون مردم نسبت به هیات حاکمه موجود را می‌توان بخوبی در آمار شرکت کنندگان در همه پرسی - ها و انتخابات متعددی که در یکسال اخیر انجام گرفته است مشاهده نمود: در همه پرسی نام سیستم حکومتی، جمهوری اسلامی نه کمترین بیشتر، قریب ۲۲ میلیون و در انتخابات مجلس شورای ملی علیرغم شام دستکاری‌ها و

## تحلیلی از علل

### بحران کنونی امپریالیسم

### و دورنمای انقلاب

به ایزار کار کار را شروع می‌کند تا با فته تریس طرح با آوری نیروی کار بسازد. هرگاه بپذیریم که روند تحقق اهداف ارزش و بسته به روند مبارزه کالاهای در بازار است سرمایه‌دار برای پیروزی در رقابت و فروش کالای خود ناچاراً از کاهش قیمت (هزینه) واحد کالا است، که تحقق این امر خود وابسته به افزایش با آوری نیروی کار و تولید بیشتر در واحدها من معنی از کار کارگزار است. سرمایه‌داری عمورقابت آزاد، در پی پیش‌ابتدائی خود در زمانی که طبقه کارگر، بنام به یک طبقه منسجم و متشکل وارد می‌شود اقتصاد پر سرعت تعیین قیمت کالای مورد مبادله خویش، یعنی نیروی کار، نشده است، روند خلق اضافه ارزش را بطور "مطلق"، صرفاً از طریق افزودن به طول روزانه کار تسریع میکند. اما، رقابت فشرده بین سرمایه‌داران برکننده بر فروش کالاها و نیز تشکل فزاینده بقیه در صفحه ۲

در شمار گذشته جنبش کارگری، کوشیدیم تا به پاره‌ای از علل بحران کنونی امپریالیسم برخورد کنیم. گفتیم که چگونه روند تراکم و تمرکز سرمایه‌انحصاری (روند انباشت سرمایه انحصاری)، از پس جنگ دوم جهانی، امریکارا به سرکردگی نظام جهانی سرمایه‌داری ارتقا داد و دیدیم که هر یک از این پایه‌ها، روند انباشت سرمایه‌انحصاری درگیرکنندگی و نزول گردیده است. اکنون گفتار خود را با بررسی و توضیح جوانبی دیگر از بحران ساختاری امپریالیسم عوامل بازدارنده انقلاب در مجموعه این نظام پی میگیریم. از جمله ویژگی‌های اساسی تولید و تجدید تولید سرمایه‌داری، همواره‌دان زدن و بهره‌گیری از انقلاب مداوم صنعتی و تکنولوژیک در ایزار تولید است. سرمایه‌داری برای دست‌یابی به اضافه ارزش هر چه بیشتر و ضرورتاً بالا بردن حجم سود، ناگزیر است تا با آوری آوردن

## این مجلس شورای ملت است یا

### محفل انس

خوردن ملح و صفائی که ما بدر مجلس شورای اسلامی حکم فرما شود، شهرهای کردستان را آشوب زده و نا آرامی ملامی دارند و انعام انتخابات را در این شهرها صلاح نمی‌بینند. این تدابیر احتیاطی برای جلوگیری از نفوذ گروه‌های مترقی در مجلس شورای ملی، در آخرین لحظات تبلیغات انتخاباتی، با استفاده از نفوذ کلام ابوالقاسم خیمینی، به اوج خود می‌رسد. دستگاه تبلیغاتی رادیسو و تلویزیون از نگاه‌ها رشنه تا آخرین لحظات رای گیری، مکرر در مکرر به بخش پیام آیت‌الله خیمینی می‌پردازد. این پیام در عین حال که مردم را به شرکت و وسیع در انتخابات دعوت می‌کند، از آن‌ها می‌خواهد تا متنبه و تنبها به افرادی رای دهند که واقعا معتقد به اسلام هستند، و تکلیف "اعتقاد واقعی!" بقیه در صفحه ۳

شورای ملی نیز سبندید: از جمله اجتماعات انتخاباتی و ضرب و جرح گروه‌های مترقی گرفته تا تبعه سازی و به اصطلاح افشاکگری علیه مخالفین. حزب جمهوری اسلامی، در این گروه‌های انحصار طلب، از مدت‌ها پیش زمینه‌های تریس را برای بیرون آوردن افراد مورد نظرش از صندوق‌های رای فراهم کرده بود. از جمله اشغال بست‌های حماس اجرائی در شهران و شهرستان‌ها توسط اعضا و دست‌نشانگانش: وزارت کشور، انجمن‌های نظارت بر انتخابات

سرنجام، مرحله اول انتخابات مجلس شورای ملی به شیوه‌ای غیر دموکراتیک و در حقیقت مملو از تبلیغات مسموم انحصار - طلبان به پایان رسید. علیرغم اعتراض‌های وسیع مردم و گروه‌های مترقی به طرح دومر - انتخاباتی، شورای انقلاب بر سر تصمیم خود باقی ماند، چرا که تنها این طرح می‌توانست ما من حضور اکثریت انحصار - طلبان در مجلس شورای ملی باشد. صادر از دست‌های پیشین، برده از این حیل انحصار طلبان حکومت اسلامی برگرفتیم و اکنون ما نیز به تکرار آن نمی‌بینیم. اما همزمان با به گرسنی نشان دادن این حیل، آقایان - انحصار طلب به اعتبار آنکه "کار از محکم - کاری غیب نمی‌کند"، دست به یک رشتنه - سازی سرکشی باز زدند تا راه را بر هر گونه منظور احتیالی نیروهای مترقی در مجلس

# جشن کارگری اول ماه مه راه‌رچه باشکوه‌تر برگزار کنیم



# درباره سیاست انتخاباتی...

مسئله از این قرار است که رهبری سازمان چریک‌ها در پاسخ به این سؤال که چرا از زمان مدهای انتخاباتی کمونیست‌ها پشتیبانی به عمل نیاموده است، ابتدا مطرح می‌کند که این سؤال را باید در رابطه با مروحت کل جنبش کمونیستی دید، که خواننده‌ی خیر از همه جا، ناگهان از تیزبینی و ژرف‌اندیشی ثنوریسین های سازمان غرق در شگفتی شده و با خود می‌اندیشد که واقعا که معرکه است، و رقبا تا کجا هارانی بینند، اینها در هر حرکتی مسئله وحدت جنبش کمونیستی را لحظه‌ای از نظر دور نمی‌دارند. ولی به یکباره صحنه عوض می‌شود، و چشم‌تیزبین رفیق‌نویسنده نیمنگه می‌بیند که هم‌تاریخ جنبش کمونیستی ایران می‌اندازد و در آنجا چه می‌بیند؟ در آنجا این را می‌بیند که "بروسه‌شکلی حزب در ایران به هیچ وجه بدین صورت نیست که محافل مارکسیست پراکنده به تدریج در یک ارگان سراسری مشکل شوند و هر محفلی در این میان همان وضعیتی را داشته باشد که دیگری دارد" این درس‌داهایه از تاریخ جنبش کمونیستی ایران به چه معنی است؟ به ادب معنی است که حمایت از دیگرگان نباید با معنی شکست، یعنی نفی تاریخ، یعنی نفی دستاوردهای جنبش کمونیستی (پس زنده باد آقا شاه‌نچی - البته خوانندگان می‌بخشند چون این شعار مربوط به "سطح دموکراتیک" مسئله است و ربطی به "سطح کمونیستی" که ما فعلا درگیر آن هستیم ندارد)

می‌بینیم که رهبران سازمان سعی در گرفتار کردن "هوادار" سرگشته خود در یک دوربالم هستند. آنها می‌گویند: مسئله حمایت را باید در رابطه با وحدت محافل مختلف کمونیست دید، ولی تاریخ ایران نشان داده است که حزب کمونیست - ایران از طریق بهم پیوستن محافل مختلف (که تازه همان وضعیت را هم ندارند - جل الخالق) بوجود نمی‌آید، پس حمایت از کاندیداها هم - مارکسیست - لیننیست دیگر کار عینی است. این بدان معنی می‌ماند که بگوئیم برای معالجه یک بیمار مسلول باید سفره حضرت عباس انداخت، ولی تاریخ طب نشان داده است که سفره حضرت عباس مریض مسلول را معالجه نمی‌کند و سپس نتیجه بگیریم که اصولا معالجه بیمار مسلول غلط است.

چنین است منطق رهبران سازمانی که وظیفه‌خاطر تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را، بزعم خود، اکنون بردوش خود حمل می‌کنند.

اما در مورد مضمون هر یک از ادعاهای بالاینکمی تا مل کنیم. رهبری سازمان می‌گوید: نگاه به جنبش کمونیستی ایران نشان می‌دهد که بروسه تشکیل حزب در ایران به هیچ وجه بدین صورت نیست که محافل مختلف پراکنده به تدریج در یک ارگان سراسری مشکل شوند" ما در ابتدا فرض را بر صحت این مدعا می‌گذاریم و از رقبا می‌پذیریم که واقعا بروسه تشکیل حزب کمونیست ایران چنین نبوده است و حتی برای دنبال کردن منطق رقبا این ادعای قلابی را نیز می‌پذیریم که اولاً حزب توده ایران نیز حزب کمونیست بوده است و دوماً این حزب از طریق بهم پیوستن محافل مختلف بوجود نیامده است. آیا با قبول کلیه این فرضیات و افعالی نتیجه عاید می‌شود که چون در گذشته چنین بوده است در حال و آینده نیز چنین خواهد بود. چرا؟ آیا اجزا تشکیل دهنده این گذشته، اعم از شرایط داخلی و جهانی، ذهنی و عینی یکسان می‌باشند. آیا جنبش کمونیستی ایران و جهان در پنجاه سال پیش دچار همین پراکندگی کنونی بوده است، آیا در پنجاه سال پیش نیز ما باده سازمان و گروه مختلف روبرو بودیم؟ آیا چه چیز جز وضع جغرافیایی ایران، در پنجاه سال اخیر ثابت مانده است که اصولا هوس چنین مقایسه‌ای به سرفقازده است. در گذشته تنها پشتیبانی اخلاقی ثنوری از یک حزب، بقیه جریان‌ها را به سرحد زوال می‌کشاند. اما آیا اکنون نیز چنین مکانیزم در جهان ما وجود دارد. آیا امروزه پشتیبانی ثنوری، مثلا زادار - دسته خائن حزب توده (اگر با عینی آبروی بیشتر شود)، مانع ادامه حیات سازمان‌ها و جریان‌ها کمونیستی دیگر است؟ آیا طبقه کارگر ایران همان طبقه کارگر دیروز است، تحریکات آن، خواست‌های آن، کیفیت آن، کمیت آن، آیا واقعا هیچ چیز عوض نشده است؟ آیا... آیا شما واقعا به آنچه می‌گوئید و می‌نویسید باور دارید؟

و انگیزه فرض می‌کنیم که بروسه تشکیل حزب کمونیست ایران همین است که شما آن را در متن تاریخ گذشته ایران جستجو کرده و یافته‌اید. از این مقدمه چگونه این نتیجه مستفاد می‌شود که شما، بله شما رسالت این امر را به عهده دارید؟ شاید به این دلیل که عده‌ای در گذشته تحت نام فدائی کشته و شهید شده اند که این گذشته اولاً به شما چه مربوط است و دوماً به زعم خودتان، چه در میان کاندیداها یا حزب توده و چه در میان کاندیداها یا حزب جمهوری اسلامی و چه در میان سا برکات - بدها، عناصر سیاسی می‌توان یافت که سال‌ها زندان کشیده اند و از قضا مردانه هم زندان کشیده اند و در برابر سرزمین دژ خیم‌شاه ایستاده اند". پس راستی چه چیز

# تحلیلی از عمل...

کارگران به منظور مبارزه علیه افزایش ساعات کار، بیگانه‌ها را فرود برافراشتند و تسریع فروش کالا را از طریق کاهش بهای واحد تولید برای سرمایه‌داران وابسته به تکامل بخشدین به ابزار کار و ضرورتا افزایش با آوری نیروی کار در مدت زمان معین از روزانه کار نمود. افزایش با آوری کار از طریق پایین آوردن ارزش وسایل معیشت کارگران، این نتیجه را به همراه داشت که سرمایه‌داران نتوان یافتند تا با کاهش زمان کار لازم بر طول زمان کار اضافی، بدون تغییر در طول روزانه کار، بیغنا بدو بر این اساس شکل نسبی اضافه ارزش را بالابردند.

روند افزایش با آوری نیروی کار، به مثابه روند رشد نیروهای مولد جامعه سرمایه‌داری، با گذر از عصر سرمایه‌داری رقابت آزاد، به مرحله سرمایه‌داری انحصاری، از رشد هر چه فزاینده تر سر خوردار رسیده است، تا باینجا که اکنون انقلاب تکنولوژیک پیوسته در زمینه الکترونیک و تجهیزات کار افزایش تولیدی به دستگاه‌های محاسب و کنترل کننده الکترونیکی، از یک سو بر حجم با آوری نیروی کار افزوده و از دیگر سو تا حد بسیار از ضرب اشتغال کارگران کاسته می‌گردد.

افزایش با آوری نیروی کار، به مثابه گسترش نیروهای مولده در درون مناسبات جهانی سرمایه‌داری، از طرفی بر حجم کار اضافی که بازاری برای فروش نمی‌یابند افزوده است و همزمان در کنار خارج ساختن بخش اعظمی از کارگران از فرایند تولید و نیز کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان بلاواسطه جامعه، بیش از پیش در تشدید و تعمیق بحران اشباع تولید شدت می‌بخشد.

شما را در ذهن خود این چنین از دیگران متمایز می‌کنند؟ شما می‌کنید که هنوز یک تسویه حساب تئوریک روشن و صریح با گذشته خود نکرده‌اید و تئوریتها در پلیمیک‌ها می‌باشند و آن و ملاندر فلان مما حبه ما یک سازمان انقلابی ترکیه، سؤال‌ها و مطالبات دویله و لوگنگ را مطرح می‌کنید و با استفاده از کلماتی همچون "مشی جدا از خود" و غیره به سبک نمایش‌های پانتومیم فقط ادای انتقاد از خود را در می‌آورید. شما گذشته خود را نمی‌توانید کاندیدا ملاحظه کنید، چون بدون آن چینی نیستید و به گذشته خود نیز نمی‌توانید تکیه کنید، چون آن را بدین گونه قبول داشته‌اید. آیا شما می‌کنید که در جنبش مخممه‌ای گرفتار ریدوختی فادریه حل مسئله گذشته خود نیز نیستید، و افعالی حل مشکلات آینده جنبش کمونیستی ایران را می‌توانید داشته‌اید.

پس از گذشته و قهرمانی‌های "مشی جدا از خود" در می‌گردیم و به مشی شما در سال اخیر می‌پردازیم. می‌بینیم که "مشی جدا از خود" به مشی دنباله‌روی از توده تبدیل می‌شود. توده‌ها فریاد می‌زنند: درود بر بزرگان - نخست وزیر ایران و شما که حالا املا می‌کنید جدا از خود" ما کلاس خورد را بد، مانند یک چریک جان برکف توده‌ای فریاد می‌زنید: تا پای جان از این دولت در برابر ارتجاع دفاع خواهید کرد. توده‌ها در تحریکات روزانه خود از دولت قطع امید می‌کنند و شما ناگهان علم‌حیات از بخش دیگری از هیات حاکمه را بلند می‌کنید. و هر که جز شما کند و چرخ‌شما بیا تندی، مشی جدا از خود را در دوا مولاطرف‌دار لیبرال‌ها است چرا چون شما همواره به گش خود می‌پردازید و تصور می‌کنید که چون خودتان زمانی از "سنگر" لیبرال‌ها در برابر ارتجاع موضع می‌گرفتید، امروز نیز هر کس مخالف بخش بزرع شما "غیر لیبرال" یا "رادیکال هیات حاکمه" باشد، لامحالهدر کنار "لیبرال‌ها" قرار دارد. گوئی در ایران غیر از این "دوبخش" هیات حاکمه، هیچ طبقه و قشر دیگری وجود ندارد. و اما... به محض که واقعیت، یعنی قدرت سیاسی حاکم در لیبالی با سداران به سرافشان می‌آید و به ضرب زبانه زبانتان می‌اندازد، دیگر ثنوری تفکیک هیات حاکمه به دو جناح انقلابی و ضد انقلابی تان دچار بحران می‌شود، مقولاتی همچون خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال جای خود را به تقسیم‌بندی‌های نوین همچون "بالای‌ها" و "پایینی‌ها" می‌دهند و جناح بندی‌های طبقاتی درون هیات حاکمه به جناح بندی‌های درون سبانه پاسداران تبدیل می‌شود. جناح بالایی پاسداران بدی خود جناح پایینی آن خوب، آخرو توضیح طبقاتی تان برای این تقسیم‌بندی نوظهور چیست؟ روشن است که هیچ توضیحی ندارد و واقعیت همان است که مشکل می‌توان قائلیز و قفا توماج و جرجانی و مختموم دیگران را به جناح لیبرال هیات حاکمه نسبت داد، چون دست بر قفا تلین آنها خیلی هم "رادیکال" تشریف دارند.

حال شما می‌کنید توضیح اساسی ترین مسئله مبارزات طبقاتی ایران همچون برکاهی بد این سوی و آن سوی پرتاب می‌شوید، و الفبای مارکسیسم را بهیچا فرا نگرفته‌اید یا "فرا موش" کرده‌اید، چرا با بد رسالت تشکیل حزب کمونیست را، آنهم تنها بی بردوش داشته‌اید و دیگرانی که یک هزارم اشتباهات شما را مرتکب شده‌اند، اولافا قذچنین رسالتی با شما.

البته یک نکته می‌ماند ما نمودا تصور می‌کنیم مسئله‌گر می‌شما نیز در همان جا باشد و آن مسئله کمیت هواداران و نیز بزرع شما "با یگانه توده‌ای" شماست یعنی همان مسئله‌ای که در این مقاله شما و نه فقط در این مقاله که در کل سیاست شما مسئله درجه اول و عمده را تشکیل می‌دهد.

البته شما می‌کنید که ما بهیت "بخش‌های مختلف هیات حاکمه" مواضع خودتان را نسبت به آنها، از روی کمیت هواداران این بخش‌ها تعیین می‌کنید، اگر در نظر خود پیگیری‌اید که صد البته در این مورد بخصوص هستید، آنوقت اجبارا نسبت و رسالت تاریخی سازمان‌تان را نیز از روی برش می‌کنید خود نسبت به بقیه سازمان‌ها می‌سنجید.

در برابر چنین طرز تفکری ما حرف زیادی برای گفتن نداریم. و فقط قصه کوچکی را برایتان نقل می‌کنیم که حتما هزاران بار شنیده‌اید.

سال‌ها زین پیش در سرزمین ایران حزبی وجود داشت که نامش حزب توده بود. رهبران این حزب اگر چه هر روز زخمه‌ای نو سازی کردند و در باره ما بهیت قدرت سیاسی حاکم داستانی تازه می‌گفتند، ولی با اینهمه هر روز بر تعداد دسپاها به شان افزوده میشد. مردم سراسر این ماجرا نمی‌فهمیدند و در شگفت بودند. تا اینکه روزی گردید که دهمی بر خاست و همه چیز را در خود فرو برد و چون در فریاد آن روز گرد و غبار فرو نشست، همگان دیدند که از آن سپاهیان چیزی برجای نمانده است. چند نفری در لیبازیک و مسکوسرگردان وعده‌های نیندرغل و زنجیر زندان "که از قضا در برابر رژیم دژ خیم‌شاه نیز مردانه ایستادند". مردم این را که دیدند، سری حنبا نندند و از شگفتی درآمدند.

بخش اعظمی از کارگران از فرایند تولید و نیز کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان بلاواسطه جامعه، بیش از پیش در تشدید و تعمیق بحران اشباع تولید شدت می‌بخشد.

اگر در جوامع طبقاتی پیش سرمایه‌داری، فقر و گرسنگی نتیجه قطعی سطح نازل نیروهای مولده بود، اکنون در اوج جهان گسترده نظام سرمایه‌داری، فقر، بیگاری و گرسنگی بخش اعظمی از جمعیت جهان نتیجه بحران اشباع تولید سرمایه‌داری و در عصر شکوفائی نیروها مولده است.

انحصارات امیرالیستی، اکنون برای حفظ سود سرترا و بویوری در عصر رقابت جهانی، و نیز به منظور جاره‌گوشی جهت حل بحران‌های سیاسی - اجتماعی که پیش رو دارد، نسا گزیر از یکا گرفتن ابزارهای هر چه پیشرفت

ترتولید اند، اما این انحصارات، همزمان با تنگنای محدودیت با زار فروش کالاها بد بگریبا نند و چنین است که روندها نسا سرمایه‌داری، سرمایه‌داری، تمایل به بکندی نسا دارد. در چنین وضعی جنبش سنیکیا لیستی نیز با ممانعت از یکا گرفتن کارافزارها جدید، به بهانه نسیکار شدن کارگران و نسا مبارزه در راه افزایش دستمزدها عمل می‌کند. مناسبات، رشد نیروهای مولده را سد می‌کند. بهر روی آنچه درون است تضاد است که مناسبات مناسبات تنگ سرمایه‌داری و نیروهای مولده با نند و بیش از پیش حدت یافته است امیرالیسم برای خروج از چنین بحران‌ها هم‌چنان گذشته تا گزیرا گزیرا نسا و این امری است که تحقق با زتاب بقیه در قضا



# یکسال انقلاب و ...

توجه شود که این عده کثیرنازه از طرفداران اولیه رژیم کنونی بوده اند. اگر به تعداد افرادی که از اول، قبل از همه پرسی جمهوری اسلامی، با این دستگاه بیدلیل سیاست سازش آن با سراما پیداری و روش های انحصار طلبانه و غیردموکراتیک آن مخالف بوده اند و این مخالفت خود را از طریق تحریم نسای رای گیری ها بجزرای گیری مجلس شورای ملی ابراز نموده اند، اضافه کنیم، می توان قویا ادعا نمود که در حال حاضر اکثریت مردم کشور از رژیم کنونی ناراضی اند و اگر اول کنونی کار ادامه یابد در مرحله دوم انتخابت مجلس شورای ملی، عده بیشتری به این صف ناراضی ها افزوده خواهد شد. منگوشیم ناراضی ها و منی گوئیم مخالف ها چون میلیون ها نفری که در رای گیری مجلس شورای ملی شرکت نمودند ناراضی بیتی خود از آژسگاه کنونی را به صورت منفعل بیان داشتند و هنوز این ناراضی بیتی و عدم اعتماد به رژیم کنونی به مخالفت شان بدل نگردیده است.

عملکرد و کیفیت حاکمیت سیاسی کنونی در این یکسال و اندی که از عمر آن می گذرد بقدری نا امیدکننده بوده است که اکنون طرفداران پیشین آن و حتی طرفداران کنونی آن همگی از خود دیگران سؤال می کنند که بالاخره چه خواهد شد. بیاخره بر سر این سرزمین وساکنین آن چه خواهد آمد. آیا باید انتظار یک کودتای دست راستی آمریکا می، چون کودتای سپاه ۲۸ مرداد، منتها به دست افراد دیگر، با چهره های دیگر و با شعار های دیگری را داشت؟ آیا "چی" "ها بر سر کار خواهد آمد؟ ایها مونا روشنی آینه شده در مردم نگرانی و تشویش و اضطراب نسبت به سرنوشت خود و کشورشان ایجا د نموده است.

راستی چشم انداز انقلاب ایران چیست؟ کمیونسنت ها که با بدفعلیت عملی، و تا کنونیکه فای خود را در مبارزات روزانه، برپایه تحلیل از شرایط و داده های عینی و ذهنی جامعه قرار دهند، دارای اهمیت خاصی است. باید نظر داشت که توده مردم ما که آن انقلاب عظیم را علیه دخالت و نفوذ امپریالیسم در ایران از طریق مبارزه برای برانداختن سلطنت خانانوده پهلوی، این نوکردست - نشانده آمریکا، و ابایدی آن بوجود آوردند، اکنون آژگای بیشتری که نتیجه فعالیت و مبارزه انقلابی آنان و تجربیاتی است که در دسترس آن انقلاب بدست آورده اند، بر - خوردارند.

مردم ایران و بویژه زحمتکشان بخاطر ۲۵ سال ستم اقتصادی، غارت و جپاول و ترور و خفقان سیاسی که بدست رژیم فاسد و خونخوار پهلوی به آنان رفته بود، بدون اینکه سه سال گذشته ای بر انداختن رژیم پهلوی چه روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی باید جاگزین آن شود، برای سرگون کردن رژیم پهلوی و کوتاه نمودن دست امپریالیسم قیام نمودند. در این زمان خلعت اساسی انقلاب رانفی حاکمیت موجود تشکیل می داد،

ولی آنها در عمل آزمو نده که انقلاب واقعی اجتماعی، انقلابی که بتواند ندیس از پیروزی به ایجا د نجان روابط و مناسبات اقتصادی و سیاسی دست یازد که به حل معضلات و مشکلاتی که زمینه عینی انقلاب را تشکیل داده است، موفق گردد، با بدنه تنها بر آن آگاه باشد که چه چیزی را منی خواهد بلکه باید مهمتر از آن بداند که چه چیزی را می خواهد. دیگر تنها ناراضی از اوضاع و احوال موجود و حسی و قوف بر این واقعیت تجربی که قشر حاکم کنونی نمی تواند حتی گامی کوچک در جهت حل مشکلاتی که جامعه با آن دست به گریبان است، بردارد، کافی نبوال هدیدت مردم و بویژه زحمتکشان به دنبال این با آن دسته بر آه افتند. و برای تغییر حاکمیت سیاسی مبارزه کنند، بدون آنکه از قبل دانسته باشند حاکمیت سیاسی جدید برای چه ما هیبتی است و چه برنامهای برای حل معضلات و مشکلات جامعه عرضه می کند.

امولدار هیچیک از انقلاب های مدرن از انقلاب کبیر فرانسو گرفته تا انقلاب روسیه، چین، ویتنام و ... نیروئی که انقلاب را بسوی پیروزی نهائی رهبری کرده است، نیروئی نبوده است که در مرحله ابتدائی در رهبری انقلاب قرار داشته است. و این از اینرو است که توده و بویژه توده زحمتکش و بخصوص در جوامعی که از نظر فرهنگی عقب مانده اند، تحت فشار نیروی سهمگین سندن دخا فات قرار دارد و از ابتدا برای پذیرفتن راه حل های رادیکال و انقلابی آمادگی ندارد. و این امر در مورد پرولتاریا بهمانه به طبقه ای نیست - جامعه سرما یهداری و آنهم در جامعه عقب مانده ای چون ایران بیشتر صادق است. پرولتاریا از شکست های پیش بیشتر می آموزد تا از پیروزی های پیش. در شکست است که آبدیده می شود و خیالات و امیدهای واهی خود را از دست می دهد. مارکس در مورد تفاوت میان انقلاب های بورژوائی و پرولتاری در "هیجده هم برولوثی بنا پارت" می گوید:

" ولی انقلاب های پرولتاری یعنی انقلاب های قرن نوزدهم بر عکس مدام از یکدیگر انتقادی کنند بی دربی حرکت خود را متوقف می سازند و به آنچه که انجام یافته بنظر می رسد بازمی گردند تا با ردیگر آنرا از سر بگیرند، خلعت نیم بند و جوانب ضعف و فقر تلاش های اولیه خود را بیرحمانه بیاد استنها می گیرند، دشمن خود را گوش فقط برای آن بر زمین می گویند که از زمین نیروی تازه بگیرد و سایر دیگر غول آسا علیه آنها قذیرا فرزند در برابر هیولای مهم هدف های خویش آنقدر پس می نشینند تا آنرا انجام موضعی بدید آید که هرگونه راه یازگشت آنها را قطع کند و خود زندگی با با سنگ صولت مند اعلام دارد: کل همینجا است، همینجا برقص." (تکیه از ج.ک.)

"هیولای مهم هدف های" انقلابی که انجام گرفت و امیدهای واهی که نسبت به نتایج آنها وجود داشت، و زمینه مناسب را برای فرار گرفتن خرده بورژوازی سنتی، در لباس روحانیت، در اس جنش فراهم آورد. اما

بیش از یکسال حکومت این قشر، میهم نبودن هدف ها و واهی بودن امیدها را نشان داد. کمیونسنت های ایران اکنون بجای تعریف و تمجید ما ده لوحا نه از حاکمیت موجود و ترویج و تبلیغ این نظریه نا درست و خیال خام که گویا خرده بورژوازی، و انهم بخش سنتی آن که حیاست بسته به حفظ مناسبات کهنه و نه دگرگون کردن آن می باشد، می توانند مبارزات ضد امپریالیستی را که چیز دیگری جز مبارزه برای برانداختن سرما یهداری نیست، رهبری نماید، با بدنه تا درک مقدمات تئوریک، سیاسی و سازمانی انقلاب بعدی به رهبری پرولتاریا بپردازد. در این راه شناخت درست و دقیق از اوضاع و احوال داخلی و جهانی که در آن انقلاب بوقوع خواهد هیبوست، شرط ابتدائی آغاز استراتژی و تاکتیک صحیح در این مبارزه بیچینده و سرنوشت ساز است.

ما در این نشریه طی مقالات گوناگون نشان داده ایم که خرده بورژوازی به قدرت خزیده قادر به حل معضلات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران نمی باشد. عملکرد اقتصادی و سیاسی قدرتمندان، خود ایمن نظریه را به اثبات رسانیده است. بنا بر این شرایط کنونی نا پایداری است و بحران اقتصادی و اجتماعی که منجر به سرنوشتی رژیم پهلوی گردید و از روز بعد از پیروزی قیام نه تنها تخفیف نیافت بلکه به حیات خود ادامه داد و در روز بروز نیز خا دتر گردید، دیربها زود به وخامت خواهد گذرا شد و دیگر مسئله حاکمیت سیاسی را بصورت حادثه در دستور روز قرار خواهد داد.

حتی اگر رژیم کنونی قادر گردد سروسورتی هر چند مهم نیم بند به وضعیت اقتصادی کشور دهد و چرخ های خوابیده اقتصاد را به حرکت در آورد، که با توجه به عملکرد یکساله آن و پراکندگی و اغتشاش و سرگشتگی که در میان جناح های گوناگون آن وجود دارد، این امر بسیار بعید به نظر می رسد، ولی بازم قادر به حل ریشی معضلات جامعه ما نخواهد گردید. تکوین ریشی ادهای جامعه در اینجهت تنها می تواند جنبه صا حی عمر رژیم کنونی را طولانی تر نما ید ولی آنرا از بحراتی که گریبا نگیری می باشد، نخواهد رها نینید. در این حالت دو امکان می توان متصور شد امکان اول اینست که در صورتی که جنبش انقلابی کارگری نتواند به برنامو استراتژی انقلابی دست یازد و یا در صورت دست یازیدن به آن شتاب حرکت حوادث رویداد های سیاسی جامعه در این مرحله به آن امکان بسیج دهقانان و زحمتکشان شهری به دور برنامه و استراتژی انقلابی را ندهد، توده مردم و زحمتکشان از مبارزه سرخورده شده، به انبوهی مایوس بدل گردیده، منفعلانه ناظر حوادث گردند. این درست شرا بیی است که امپریالیست ها در انتظار آن نشسته اند. چنین شرا بیی به امپریالیست ها یادی بومی آن امکان انجام یک کودتای نظم ای را می دهد. ولی اگر در گذشته امپریالیست ها نتوانستند در ایران، گواتمالا، شیلی، آرژانتین و بسیاری از کشورهای دیگر بریا استفاده از چنین شرا بیی با انجام یک کودتای

سلط سیاسی و اقتصادی خود را مجددا مستقر و تثبیت نماید، در ایران پس از انقلاب اگر چه با بدید آمدن شرا بیی که از آن نام بردیم، ناراضی شدید مردم آژسگاه حکومتی، رکود اقتصادی، توسعه بیکاری و ... که منجر به مایوس شدن مردم از دولت می گردد، شاید انجام عمل کودتای آسان به نظر آید ولی تثبیت حکومت کودتای چین و اعمال حاکمیت سیاسی اش بر سر کشور بدون شک با مقاومت مردم، چه کمیونسنت و چه قشریون، مواجه خواهد شد. زیرا مردم که هنوز خاطره شوم بیست و پنج سال حکومت کودتای محمد رضا شاه را فراموش نکرده اند و هنوز به یاد دارند که تسلط بیست و پنج ساله امپریالیسم چرپان ها شی به جامعه وارد آورد، هرگز بیهیج قیمتی حاضر نخواهند شد زیرا برآمدن مجدد چنین حکومتی بروند.

برای تثبیت حاکمیت سیاسی کودتا - چین و اعمال حاکمیت آن به سر سرکشور امپریالیسم نیازه وجود ارتش و ادویک - پارچه دارد. همچنین باید شهرپانسی وژاندارمری به صورت سازمان های واحد و یک پارچه در اختیارش قرار داشته باشد. اما یکی از دستاوردهای انقلاب در دست در هم ریختن سازمان قدیمی ارتش، ژاندارمری شهرپانی بوده است. حداقل درجه داران و سرپازان در ارتش وژاندارمری را هم در ژاندارمری و بخش های پایشینی شهرپانی به صورت یک پارچه در اختیار افسران ارتجاعی قرار ندارند. به همین دلیل است که قدرتمندان کنونی علیرغم کوشش های که در بازگشت دادن ارتش، ژاندارمری و شهرپانی به صورت سابق آن به عمل آورده اند در اکثر مقاصت سرپازان، درجه داران و افسران جزء این سیاست شان با موفقیت روبرو نبوده است بنا بر این در صورت وقوع کودتا، در مرحله اقدام برای تثبیت حاکمیت کودتای چین و گسترش دامنه حاکمیت آن به سر سرکشور با یک جنگ داخلی روبرو خواهیم شد، ولی وقوع یک جنگ داخلی در ایران که در جریان آن ارتش، ژاندارمری و شهرپانی نیز تجزیه خواهد شد، امری است که امپریالیسم آمریکا از آن احترازمی جوید. زیرا در نظر سرتگرفتن موقعیت خاص منطقه از نظر مناسبت اثری که اقتصاد غرب به جریان بدون وقفه آن بستگی دارد از یکسوا از سوی دیگر بحران سیاسی و اقتصادی که بسیاری از کشورهای منطقه استون ترکیه، پاکستان، سوریه، مصر، عربستان سعودی و غیره را فرا گرفته است، یک جنگ داخلی در ایران می تواند به سرعت به کشورهای دیگر منطقه نیز سرایت نموده و بحران راهم جاگیر نماید. و این درست همان وضعیتی است که آمریکا برای احترازاز آن گوش شاه را گرفت و مثل موشی از ایران بگریزاندخت. و با اعزام ژنرال هویزر به ایران ( که آقای بهشتی به خاطر ندرت راندا ایشان ملاقات کرده با شد) پارهای از مشکلات مربوط به انتقال قدرت سیاسی از رژیم گذشته به حکومت کنونی را مرتفع ساخت.

ادامه دارد

توده ها می نشینند. و دیگر جنگ های زرگری اصحاب وانمار یا یکدیگر نمی تواند کسی را فریب دهد. وظیفه نیروهای مترقی در این لحظه، بر ملا با ختن ما هیت ضد انقلابی چنین محافل نسبی است. نیروهای مترقی باید با کوشش های پیگیر، بی اعتباری محافل انس انحصار طلبان را هر چه بیشتر آشکار کنند. مجلس شورای این آقا بان، چیزی جز محفل خصوصی برای بحث در شکایت و شرعیات نخواهد بود و شوراهای واقعی زحمتکشان در کارخانه و روستا مهرا بطال بر سر در چنین شرا بیی خواهد گوید

چاره ای جز ادعا نمی بینند. تا آنجا که حتی آقای داریوش فروهر نیز، علیرغم دکان قدیمی دوشن آزادی کشی خود در میدان بهارستان، از کوزه درمی رود و در تقبیح - انحطاط طلبی و تجدید آزادی در افشانی می کند. می بینی چقدر شور شده که خان هم فهمیده است. چنین مجلس شورا بی بی گمان نمی تو اند تر بیوتی برای افشای ارتجاع و امپریالیسم باشد. روزگار محافل اتش به سرت آمده. محافلی که در پشت درهای بسته به نام نمایندگی مهم، به توطئه بر ضد مناسبت

ما می توان به خودداری لوجا نه مسئولین انتخابات در اعلام بلا فاصله تعداد کل آرای ریخته شده در صندوق های شهر تهران اشاره کرد. مسئولین انتخابات، علیرغم ایمن در خواسته بحق و عدل مردم، سکوت کامل اختیار کردند تا دستشان برای هرگونه دخل و تصرف در آرایا زبا شد بتوانند سرتا تمام افراد مورد نظرشان را از صندوق ها بیرون بکشند. در نهایت، کار این گونه تغلب ها به آنجا می کشد که حتی مسئولین حکومتی نیز - از سرپرست جدید وزارت کشور تا دستان کل انقلاب گرفته تا آقای رئیس جمهوری -

# این مجلس شورای ...

تازه های انتخاباتی به اسلام راه خطبه - های نماز جمعه و بیانه - ائتلاف بزرگ حزب جمهوری اسلامی تعیین می کند. درجی چنین معلوا زحلیه های کثیف و تبلیغات مسوم است که مردم ایران به پای صندوق های رای می روند. از نخستین ساعات رای گیری، آخرین شگردانحصار طلبان برای جلوگیری از نفوذ گروه های مترقی در مجلس شورای ملی شروع می شود: تغلب های انتخاباتی. از جمله این تغلب -



# قتل عام 'قارنا' در 'قه لاتان' تکرار شد.

هم‌میهنان مبارز!

خلق رزمنده کرد و زمین بها روخسین خود را با مقاومت در برابر سرکوبگران هبات حاکمه آغاز کرد. بورش گسترده ارتش ضد خلقی با همراهی جاش ها و پاسداران از چند نقطه به طرف اشنویه و مگه و رآغا زگردید. ویدنیال کا مباران و اورا مناسات جبهه جنگ مقاومت دیگری در این قسمت از کردستان در برابر تهاجم دشمنان خلقهای ایران گشوده شد. حمله به اشنویه و مرگوربخشی از یک برنا مه سرتا سری است که به برای رسیدن به "سال امنیت" موعود از سوی مجموعه هیات حاکمه و به تاشیده همه جناح های "آن تدارک دیده شده است و قدم به قدم ت را آغاز کرده اند. این یورش در حالی صورت می گیرد که فقرو تنگدستی سراسر میهنمان را فرا گرفته و زحمتکشان زیر بار فشار زندگی کمشان خمشده است و سرکوب ضد انقلابی توده های کارگر هر روز دا منو شدت بیشتری می گیرد و آتوق ت در برابر جرسین وضعی رژیم خلق صلاح توده های را فوری ترین و بی طیفه خود قرا ردا ده است. روشن است که هیات حاکمه می خواهد سراسر کردستان را به یک "قارنا" و "فلاتان" دیگری به یک قتلگاه تبدیل کند تا دستش برای کوبیدن طبقه کارگر و زحمتکشان و انقلابیون همه ایران باز باشد. شیادان حاکم علاوه بر سلاح سرکوب به عوام فریبی و طرح های رذیلانه نژادست می زنند. در حالیکه خود همواره ما می فئودال ها و مرتجعین کردستان بوده و آنها را از زمان داده و مسلح کرده اند. اکنون چنین عنوان می کنند که گویا برای سرکوب فئودال ها و اصلاحات ارضی به کردستان می آیند! تقسیم زمین ها شئی که از خون زحمتکشان قارنا، کالی، کالی ما سید و قه لاتان رنگین ساخته اند. این سر - کوبگران روستای فلاتان در مسیر اشنویه به نندانه بخون کشیدند و مردم بی دفاع آنجا را قتل عام نمودند. ۱۵ نفر را به شیهادت رسانده و ۲۰ نفر دیگر را و ششانه زخمی و رها ساختند و پویای چند نفر از آنها را با تبر قطع کرده اند.

مردم قارنا هنوز در ماتم عزیزان از دست رفته خود بیوند که هیات حاکمه ظهیرتزا دجنا بینکارا به پاداش این "شاهکار" در ارسا ژاندا مرصی جمهوری اسلامی قرار داد.

هیات حاکمه ضد انقلابی که خیال خام خلق عامی انقلاب را در رسمی - پروراند این چنین مردم بی دفاع را به قربانگاه می فرستد. مبارزات عادلانه خلق ترکمن را به خون می کشد. فرمان حمله به کارگران مینو و ایرانا و دارو بیخش و... را صادر می کند. با پرورش و تشویق دستجات شبه فاشیستی و تحت حمایت

## تحلیلی از علل ...

اقتصادی - سیاسی گوناگون بر عرصه جهان و بربرآیند نیروها در مبارزه طبقاتی، تسای کتون بجای گذاشته و خواهد گذارد.

پایان گرفتن جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، تا مدت ها اروپای شرقی را به عنوان بازار مناسبی برای مصرف کالاهای جوامع امپریالیستی، برای غرب مطرح نمود. انجام این خواست، اما از دیدگرسیو با طرح تز تجدید نظر طلبانه "همزیستی مسالمت آمیز" تنش ها شئی را در اروپای شرقی موجب گردید. یوگسلاوی سر دمداژ کشورهای غیر متعهد شد و حضرت نشین، به عنوان پیمان مبرکی که معجزه اش "نه مسکو - نه واشنگتن" بلکه "عدم تعهد" بود، یکبار از سوی دول امپریالیستی ستوده شد.

اما، دهان بازار امپریالیسم برای بلعیدن بازار اروپای شرقی، با واکنش مسکو نیوز ساختار اقتصادی این جوامع آن نصیب مورد نظر را نیافت. او داده چکسلواکی به امپریالیسم یادآوری کرد، که اگر چه آن سرمایه - داری نیاز مند بازار است، منافع ملی و نیاز قشرا حکم شوروی نیز به باقی خود، در گزاف حفظ و حتی گسترش غنا شم بدست آمده است.

در دهه گذشته با رشد ریز یونیسم مدرن در چین و دریده شدن برده انقلابیگری "روستا های جهان علیه شهرها"، اینک امپریالیسم سراسر افکنده از آنچه در وقتنا منبش شده بود، متقابل به چین کرد. روی ساج - جهش و رور دیپلمات های ممالک امپریالیستی به عنوان سفیران حسن نیت "سرمایه"، به چین سفر کردند تا با رهبران یکن، به سلامتی جشن آشتی کنان "کاروسرمایه"، عرق برنج، این رآورد "روستا" برای بقدرت خزیدگان "شهر نشین" را سر کنند.

در عرصه سیاسی جهان و در روند مبارزه با زارگستری سرمایه و همنوائی "اردوگاه ها" با مناسبات سرمایه داری حاکم بر جهان، تنها در چشم انداز شیفتگان ساده لوح "اردوگاه ها" افسق انقلاب ربه تار یکی گذارد و تنها کاسه لیسان را به تاشیده مناسبات سوسیالیستی در "اردوگاه ها" و تقرب جوئی نزد آنان بزیر لوای انترناسیونالیسم غیر پرولتری کشاند.

مستقیم سپاه پاسداران اجتماعات دموکراتیک را به گلوله می بندد و آتوق ت و قاحت کامل دم از مبارزه ضد امپریالیستی می زند و برای سرکوب کارگران مبارز و خلق های ستم دیده و آزادی های دموکراتیک جوازمی گیرد.

خلق کردبا علاقمندی و ضوروا نه هم راه های صلح آمیز برای طرح رسیدن به خواسته های برجق خود را از مود سا زمان های سیاسی رادریک هیات نما بندگی کرد و ردتا بلکه از آغا ز جنگ دیگری جلوگیری کند. اما آنها نه تنها به این خواست ها وضعی ننهادند، بلکه حتی هیات نما بندگی را نیز بیعتوان نما بند خلیق کردنیذیرفتند. با پیمان شکنی آشکارا پاسداران راد کردستان باقی گذاشتند و تنها وقتی با مبارزه دلیرانه و یکپارچه مردم ستمند روبرو شدند باز تورا مندند و تن به یک عقب نشینی دادند.

بعلاوه از همان آغاز سعی در متلاشی کردن صفوف خلق کرد داشتند. ما بارها در مورد تن دردادن به این سیاست تفرقه افکنانه هشدار داده و اعلام کرده ایم که هر موفقیتی که آنها در این راه بدست می آورند اشتیاقشان را به جنگ افروزی بیشتر خواهد کرد.

خلق کردبا هشیاری این خریانات را تعقیب نموده و آنچه در قه لاتان را روی داده به وسیع و جد و جورا انتظار نبوده است. ماهیت ضد خلقی هیات حاکمه را با گوشت و پوست خود خن کرده و با همه زحمتکشان ایران عمیقا احساس همدردی می کند. از اینرو همه توان انقلابی خود را در خدمت امر عادلانه خود و خلق های ایران به کار می گیرد.

خلق کرد که در دوران اول جنبش مقاومت آبدیده شده و با آمادگی کامل با این بورش جدید مقابله می کند و یقینا پیروز خواهد شد و تجارب خود را با هم غنی تر خواهد ساخت. نیروهای انقلابی و توده های مردم اینبار از آمادگی رزمی و سیاسی و نظمی به مراتب بالاتری نسبت به گذشته برخوردارند و در کمال قدرت سرچنگ افروزان را به ماتم خواد کوبید و درس های به مراتب بهتری به آنها خواهد داد.

هم‌میهنان مبارز! نیروهای انقلابی سراسر ایران! با تمام قوا به افشای توطئه های جنگ افروزان هیات حاکمه بپردازید. با مبارزات یکپارچه و متحد خود خلق کرد را یاری دهید. جنایت فلاتان را در معرض قضاوت همه زحمتکشان و خلق های میهنمان قرار دهید و از تکرار آن جلوگیری کنید.

سنگ برجانیان کشتار قارنا فلاتان نوکانی ما مسید پیروز با دجنش مقاومت عادلانه خلق کرد مستحکم با دودخت رزمنده خلق های ستم دیده ایران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ۵۹/۱/۸

به بها نه بیگاری شدن کارگران، نقشی بنفایت ارتجاعی را بازی می کنند. این نهادها، با حرکت از موضعی عمیقا خرده بورژوازی و واپس گرا، بر این عقیده اند که بجای دگرگونی مناسبات تنگ سرمایه داری، این نیروهای مولده اند که با خود را با فشار در چارچوب تنگ و متزلزل این مناسبات قرار دهند.

سندیکا های رفرمیستی غرب، هنوز خواهان حفظ تعادل قوای اقتصادی در محدوده حقوق کار بورژوازی اند. این نهادها هم چنان اعتصاب را، تنها و تنها، به عنوان سلاح لازم جهت تطبیق دادن دستمزدها با نرخ تورم بکار می برند. نتیجه این سیاست تکرار دابره بسته افزایش دستمزدها برای افزایش است. خطر نقش ارتجاعی - رفرمیستی - سندیکالیسم در غرب، از آن نظر عمده است، که می اگونومیستی این نهادها، به عنوان یگانه راه چاره پرولتاریای صنعتی غرب به در ذهن کارگران تبلیغ شده و می شود و هرگاه به پذیریم که در وضع کنونی بحران امپریالیسمی، در وضع رشد یافته نیروهای مولده، تنها انقلاب سیاسی پرولتاریای انقلابی توان از هم دریدن و تجزیه تنگ مناسبات جهانی سرمایه داری را دارد، درمی یابیم که مبارزه علیه عملکردهای ارتجاعی - رفرمیستی سندیکا ها و احزاب مسکوپرورده به اصلاح کمونیست تا چه حد عمده است.

گفته ایم و تکرار می کنیم که بروز وضع انقلابی به شکل عینی و برخاسته از تنگنا های اقتصادی نظام سرمایه داری جنگی، ضرورتا به مفهوم آغاز زورند فوریاتی نظام نیست. برای آنکه، بحران به قیام و دگرگونی نظام مسرکند، هم پیوندی بین عوامل عینی و ذهنی انقلاب الزامی است. دگرگونی مناسبات سرمایه داری بطور خود بخودی برپا به حادثن بحران سرمایه داری صورت نمی گیرد. انجام انقلاب سوسیالیستی، بدست طبقه کارگر انقلابی جوامع امپریالیستی تنها تا چهجیزا بین طبقه به ما رسیم انقلابی، یعنی دانش رها شئی پرولتاریا، امکان پذیر است. اگر که ما رسیم علم است، پس با همه چون علم آنرا فرا گرفت و در این گذر، پرولتاریا مادام که اسیرا و هم خرده بورژوازی راه چاره های مبارزاتی محدود در کادر حقوق

بورژوازی باشد، نمی تواند به مثالی طبقه های آگاه، یا دگرگرا ها انقلاب بگذارد. اما اگر شرایط ذهنی برای انجام انقلاب سوسیالیستی در جوامع امپریالیستی چندان آماده نیست، از دیگر سواد درون جوامع وابسته نیز، جدا از عقب ماندگی عینی و ذهنی طبقه کارگر بخاسته در این کشورها، در میان کمونیست ها هنوز سلطه تفکرات خرده بورژوازی رادیکال، بنا به خلعت ساختار وابستگی اقتصاد این جوامع، حاکم است. اینک در جوامع سرمایه داری وابسته، هرگز تحول اجتماعی - سیاسی ای که بتواند به جدائی این کشورها از بازار جهانی سرمایه داری تاثیر بگذارد، ضرورتا باید از راه چاره های پرولتاریائی صورت پذیرد. هنوز از سوی مجموعه جنبش کمونیستی در این جوامع پذیرفته نشده. جنبش کمونیستی در کشورهای سرمایه داری وابسته، هم چنان در گیر ذهنیت برخاسته از نسل های "راه رشد غیر سرمایه داری" از نوع مسکویا "جمهوری دموکراتیک خلق" تیب چین سال های ۱۹۵۰ است. و چنین است که راه چاره های پرولتاریائی انقلابی به دلیل عدم درک بخش اعظم کمونیست ها از موقوع جوامع وابسته و آرایش طبقاتی نوین حاصل از روند وابستگی، در مقابل تبدیل های خرده بورژوازی رشتی ساخته است.

آزای تعمیق بحران جهانی سرمایه داری عوامل عینی ای را که در صورت تشدید مبارزه طبقاتی می تواند منجر به انقلاب کرد. فراهم آورده است. اما، سردرگمی پرولتاریا به دلیل بدآموزی نیروهای ذهنی، هنوز به تشدید مبارزه طبقاتی نیانجامیده است. اکنون برتسمای کمونیست های انقلابی است که با مرتبندی قاطع علیه رفرمیسم اگونومیسم و آنرا ریشیم، برده های بنفشار خرده بورژوازی و سراب فریبنده بورژوازی از دیدگان پرولتاریا و زحمتکشان بدرند. این بر کمونیست های انقلابی است که در کشورهای متروپیل و در جوامع وابسته "شیخ کمونیسم" را که بر مناسبات سرمایه داری سایه افکنده، به واقعیت خاکی بدل کنند.